

تحلیل گفتمانی چالش‌های جهانی شدن بر هویت نسل سوم انقلاب اسلامی (با تأکید بر روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه)

فاطمه قربانی* / غلامرضا بهروزی لک** / محمدصادق جمشیدی راد***

چکیده

جهانی شدن با ابعاد و دامنه گسترده خود و با گذشت بیش از دو دهه، به مدد فناوری‌های اطلاعاتی توانسته عرصه را برای ورود منابع جدید هویت‌ساز فراهم آورد. انقلاب اسلامی در ایران بر مبنای ارزش‌های دینی به پیروزی رسید و تا امروز سه نسل را پشت سر گذاشته است. در حال حاضر پدیده جهانی شدن هویت نسل جدید انقلاب اسلامی را با چالش مواجه نموده است. در پژوهش‌های پیشین تحقیقی درخور در این باره صورت نگرفته است و این پرسش که جهانی شدن حامل چه تهدیداتی برای نسل جدید انقلاب می‌باشد. هنوز به پاسخ‌گویی نیاز دارد. تهدیدات جهانی شدن با توجه ویژگی‌ها و نیازهای دوره جوانی، هویت این نسل را بسیار مستعد تأثیرپذیری از این پدیده می‌کند. هدف این پژوهش یافتن برخی تهدیدات و مصنویت بخشی به نسل جدید در برابر چالش‌های جهانی شدن است. همچنین این مقاله در صدد است با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، تهدیدات جهانی شدن و اثر آن را بر نسل جوان تحلیل نماید.

واژگان کلیدی

جهانی شدن، انقلاب اسلامی، گفتمان، نسل سوم، چالش، لاکلا، موفه.

*. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه پیام نور و عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.
qorbani_f@yahoo.com
black@nou.ac.ir
dr.gh.jamshidi@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۲۵

** دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع).
*** استادیار گروه معارف دانشگاه پیام نور.
تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۴

طرح مسئله

انقلاب اسلامی ایران به عنوان بزرگ‌ترین انقلاب پایانی قرن بیستم میلادی و با عنایت به خصلت‌های بنیادین آن (مانند خدامحوری، کرامت انسانی، امامت و رهبری دینی) در سال ۱۳۵۷، موجب هژمونیک شدن گفتمان اسلام سیاسی و به حاشیه راندن گفتمان مدرنیسم غربی و استقرار جمهوری اسلامی در ایران گردید. انقلاب اسلامی با پشت سر گذاشتن نزدیک به چهل سال امروز با پدیده جهانی شدن روبروست که علی‌رغم فرصت‌های محدود، حامل چالش‌های فراوان بر هویت نسل جدید می‌باشد.

جهانی شدن دارای ابعاد قدرتمند اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. (وبستر، ۱۳۸۹: ۲۱). گرچه ماهیت اقتصادی جهانی شدن، وجه برجسته این پدیده تلقی می‌گردد، این موضوع از اهمیت ابعاد دیگر آن نمی‌کاهد. جهانی شدن از یک‌سو موجب افزایش معارف بشری و تحکیم روابط بین‌المللی شده و یک رفاه و توسعه نسبی را برای جهانیان به ارمغان آورده، ولی از دیگر سو سبب بروز چالش‌ها در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شده؛ به طوری که طرف‌داران دیدگاه رهیافت واگرایی معتقدند که حرکت اصلی فرایند جهانی شدن به سمت افزایش نابرابری و عدم تعادل بین ملت‌ها شده است. (کیانی، ۱۳۸۰: ۵)

در پرتو جهانی شدن، سطح ارتباطات مقوله‌های هویتی نیز گسترش جهانی می‌یابد و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این مقوله‌ها در یک گستره جهانی مطرح می‌شود. جهانی شدن در نگاه اولیه با شکستن و تضعیف نقش مرزهای ملی، مبتنی بر اهمیت زمان و مکان و در راستای گسترش و تعمیم یک فرهنگ و هویت عام و فراگیر جهانی عمل کرده، درصدد ادغام و همگون‌سازی دیگر فرهنگ‌ها و هویت‌ها در فرهنگ و هویت واحد جهانی است. (بهروزی لک، ۱۳۸۶: ۱۹)

با جهانی شدن، سطح زندگی و هویت افراد در جامعه جدید دچار دگرگونی اساسی گردیده است. ارتباط انسان‌ها با فراتر از مرزهای محلی و کنش متقابل آنها با پدیده‌های اجتماعی که فراتر از مکان و سنت‌های مکان‌مندند، امکان نوع جدیدی از زندگی روزمره را به آنان داده است. (گیدنز، ۱۹۹۹: ۷) با تغییر و تحولاتی که جهانی شدن به دنبال دارد، این پرسش مطرح می‌شود که تهدیدات حاصل از این پدیده بر نسل جوان انقلاب اسلامی چه گونه خواهد بود؟

پاسخ به این پرسش عبارت از این است که: امروزه بر خلاف جوامع سنتی که برای ساخت هویت به منابع محدود و معینی متکی بودند، این پدیده توانسته با ازدیاد منابع هویتی، موجبات دسترسی هر فرد به بازار منابع و مصالح هویت را فراهم نماید. به همین جهت چه‌بسا به جرئت بتوان گفت

جهانی‌شدن در تمام ابعاد آن از طریق تأثیر گذاری بر نظام های ارزشی، اعتقادات مذهبی، رفتار و برخوردهای اجتماعی و شیوه سنتی زندگی مردم، موجبات تغییرات هویتی افراد - به خصوص نسل جوان به‌عنوان سرمایه انسانی بی‌نظیر - را فراهم می‌کند.

به همین جهت شناخت چالش‌های هویتی متأثر از فرایند جهانی شدن و نحوه مواجهه با آنها یکی از ضروری‌ترین مسائلی است که می‌بایست به آن توجه ویژه صورت گیرد. مقاله حاضر پس از مروری بر سابقه تحقیق، مبانی مفهومی و نظری این پژوهش را به طور مختصر بیان کرده و سپس با نگاهی گذرا بر برخی ویژگی‌های نسل سوم، چالش‌های حاصل از جهانی شدن را بر هویت آنان مورد بررسی قرار می‌دهد. این بررسی در شرایط نزاع گفتمانی میان دو گفتمان انقلاب اسلامی به‌عنوان گفتمان هویتی نسل سوم و گفتمان لیبرال دمکراسی در نظر گرفته می‌شود.

پیشینه تحقیق

آنچه امروز در جهان رخ می‌دهد - خاصه از این منظر که جوانان ما از طریق رسانه‌های گروهی و ابزارهای بازی و سرگرمی و ماهواره ها و اینترنت به سرعت و در سطحی گسترده، با سبک زندگی و مناسبات اجتماعی و فرهنگ و هنر و باورها و ارزش‌های بیگانه آشنا می‌شوند - تأثیری عظیم بر آنان می‌گذارد و هویت و معتقدات و نظام ارزشی آنان را دگرگون می‌سازد. از میان صدها کتاب و مقاله خارجی و کتب و مقالات داخلی که در چند سال اخیر در باره جهانی شدن در کشور انتشار یافته، تاکنون هیچ اثر مستقلی به زبان فارسی دیده نشده که در ارتباط با تحقیق حاضر باشد و صرفاً به فرصت‌ها و چالش‌های جهانی شدن بر هویت نسلی اشاره داشته باشد، ولی در بین تحقیقات منتشره، چند مقاله به بخشی از تأثیرات حاصل از این پدیده اشاراتی داشته‌اند.

مهرداد نوابخش و مهرانگیز ستوده در مقاله «جهانی شدن و بحران هویت جوان» با تأکید بر نظریه گیدنز و روش تحقیق پیمایشی، اثبات نموده‌اند که بین جهانی شدن و بحران هویت جوانان رابطه مستقیم و قوی وجود دارد.

نتایج پژوهش کیفی محمدسعید ذکایی در مقاله «جوانان، جهانی شدن و مهاجرت‌های بین‌المللی، پژوهشی در میان نخبگان جوان» بیانگر تأثیر آشکار فرایندهای جهانی شدن و ارزش‌های جهان وطنی بر گرایش‌ها و ارزش‌های این گروه از جوانان است. تمامی آثار و مقالات منتشره که به‌گونه‌ای به جهانی شدن پرداخته‌اند، به تأثیرات این پدیده اشاراتی داشته‌اند، حال آنکه مقاله حاضر اعتقاد دارد جهانی شدن حامل فرصت‌ها و چالش‌هایی بر هویت نسل جوان انقلاب اسلامی می‌باشد که با بهره‌مندی از الگوی گفتمان، امکان فهم آن بهتر میسر می‌گردد.

مفاهیم و چارچوب نظری

مفاهیم به کار رفته و چارچوب نظری استفاده شده در این مقاله عبارتند از:

الف) جهانی شدن

جهانی شدن معادل واژه انگلیسی Globalization و واژه های عربی الْعَوْلَمَه و الْكَوْكَبَه می باشد. (الحمادی، ۱۳۸۱: ۸) این واژه از سوی اندیشمندان تعریف جامع و مانعی نیافته است؛ به طوری که برخی از این تعاریف به جنبه اقتصادی و برخی دیگر به ابعاد سیاسی و فرهنگی و یا ارتباطی آن، توجه نموده اند.

اندیشمندان برای جهانی شدن تفسیرهای گوناگونی ارائه نموده اند؛ چون ادغام مردم جهان درون جامعه ای واحد (آلبرو، ۱۹۹۶: ۴)، اتصال فرهنگی^۱ (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۱۳)، فشردگی در زمان و فضا (هاروی، ۱۹۸۹: ۲۴۰)، جدایی زمان از فضا^۲ (گیدنز، ۱۹۹۴: ۴)، پیروزی اقتصاد جهانی سرمایه داری (والراشتاین، ۱۹۹۳: ۱۸)، پدیده (نش، ۱۳۸۰: ۱۱۴؛ دوس، ۲۰۰۰: ۲۸)، گسترش ارزش های مشترک بشری (هام لینک، ۱۳۸۰: ۳۷۶)، فراگفتمان جدید (تاجیک، ۱۳۸۱: ۳۰۸) و گسترش فوق قلمروگرایی. (هلد، ۱۹۹۹: ۱۶)

شولت، جهانی شدن را در چارچوب قلمروزدایی تعریف نموده و آن را دگرگونی جغرافیای اجتماعی از رهگذر گسترش فضاهای مجازی و فوق قلمرویی می داند. وی معتقد است، جهانی شدن در عرصه جامعه و فرهنگ از طریق تماس گسترده میان فرهنگی به افزایش هویت های دورگه می انجامد. (شولت، ۱۳۸۲: ۲۳۰)

گیدنز، «تحت عنوان جدایش زمان از فضا»، جهانی شدن را پدیده ای می داند که مکان را کوچک و زمان را کوتاه نموده است. (گیدنز، ۱۳۷۹: ۳۹) و رابرتسون بر این باور است که جهانی شدن، «هم به فشردن جهان و هم افزایش جهان آگاهی به طور کلی اشاره دارد.» (آلبرو، ۱۹۹۶: ۸۸) و آلبرو این پدیده را «گسترش رویه ها، ارزش ها و فناوری که بر حیات افراد در مقیاس جهانی تأثیر دارند» (همان: ۸۹)، تعریف می کند. از نظر این نوشتار جهانی شدن «گسترش عرصه تعامل و نزاع گفتمان ها به مدد تکنولوژی های ارتباطی جدید و فشردگی فاصله مکانی، زمانی» در نظر گرفته می شود.

1. Cultural connectivity.
2. Time- space compression.

ب) هویت

هویت، یا کیستی شناختی پاسخی است به سؤال «من کیستم» و دارای دو معنای به ظاهر متناقض است: از طرفی بیانگر مفهوم تشابه مطلق است و از طرف دیگر به معنای تمایز است. (جنکینز، ۱۳۸۰: ۵) به بیان روشن‌تر هویت داشتن؛ یعنی یگانه بودن، ولی از دو جنبه متفاوت: همانند دیگران بودن در طبقه خود و همانند خودبودن در گذر زمان. (هاکمن، ۱۹۹۹: ۱۱ - ۵)

احساس هویت، ترکیبی از همسانی‌ها و تمایزهاست. بدین معنا که اعضای یک گروه در درون مرز مشخص و براساس مؤلفه‌های خاصی که به شاخصه‌های هویتی معروفند، به نوعی با هم مشابه و همسانند. به عبارت دیگر، این مرزها که خصلتی نمادین دارند، در برگزیده افرادی هستند که به طور کلی شباهت‌هایشان بیشتر از تفاوت‌های آن‌هاست. اساساً همین شباهت‌هاست که به‌عنوان شاخص‌هایی برای تعریف هویت آنها به‌عنوان عضویت در یک گروه اجتماعی خاص، به کار می‌آید (پاستر، ۱۳۷۷: ۳۰) در این مقاله هویت به معنای ویژگی‌ها و شباهت‌های میان یک گروه (جوانان) است که موجب پیوند میان خود و تفاوت از غیر می‌شود.

ج) نسل

نسل به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که در فاصله زمانی معینی به دنیا آمده و موقعیت‌های تاریخی خاص و علائق خاص در سطح فردی و سیستمی، آنها را از هم متمایز می‌کند. (بیکر، ۱۳۷۷: ۱۱۸) و منظور از یک نسل فاصله‌ای است که میان والدین و فرزندان‌شان وجود دارد. بدین ترتیب در انقلاب اسلامی تا به امروز شاهد حضور سه نسل هستیم: پدر بزرگ‌ها، مادر بزرگ‌ها، پدران و مادران و فرزندان‌شان. اثر حاضر تلاش می‌کند چالش‌های جهانی شدن بر نسل سوم را - که شرایط انقلاب و جنگ را درک نکرده‌اند - بررسی نماید.

د) چالش

فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی، واژه Challenge را به «مبارزه طلبیدن» و «به چالش خواستن» ترجمه کرده و Challenger را به «حریف» معنی نموده است. (باطنی، ۱۳۷۱) در ادبیات اجتماعی امروز، تعریف زیر برای چالش قابل ارائه است: «شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده، حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد.» (ذوعلم، ۱۳۸۴: ۳۶) در این مقاله منظور از چالش، هر چیزی است که ثبات و امنیّت را به خطر اندازد، یا موانعی که ما را از رسیدن به هدف بازداشته و باعث کاهش سرعتمان در دستیابی به آن شود.

ه) چارچوب نظری: نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه

نظریه تحلیل گفتمان^۱ لاکلا^۲ و موفه^۳ نخستین بار در سال ۱۳۶۴ / ۱۹۸۵ در کتاب *هژمونی و راهبرد سوسیالیستی: به سوی سیاست رادیکال دمکراسی*^۴ مطرح شد. اصل این نظریه در زبان شناسی ساخت‌گرای فردیناند دوسو سور^۵، زبان‌شناس سوئیسی ریشه دارد و بر نقش محوری زبان در بازنمایی و بازسازی جهان اجتماعی تأکید می‌کند. لاکلا و موفه با الهام‌گیری از اندیشه دوسو سور آن را به عرصه سیاسی کشاندند و پس از در آمیختنش با مارکسیسم و پسا ساختارگرایی و استفاده از آرای متفکرانی چون کارل مارکس^۶، آنتونیو گرامشی^۷، لویی آلتوسر^۸ و ... نظریه پسا ساختارگرایی بدیعی را عرضه کردند که از ظرفیت بسیاری برای تبیین مسائل پیچیده سیاسی و اجتماعی دارد. (حقیقت و حسینی زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۵ - ۱۰۴؛ سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۵)

تحلیل گفتمان یکی از روش‌های مناسب برای تبیین جهانی شدن و تأثیرات آن بر هویت نسلی می‌باشد. کلیت ساختاردهی شده‌ای که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود، گفتمان نام دارد. گفتمان‌ها از مجموعه‌ای از اصطلاحات تشکیل می‌شوند که به شیوه‌ای معنادار به هم مرتبط شده‌اند. (لاکلا و موفه، ۲۰۰۲: ۱۳۹) در واقع گفتمان‌ها صورت‌بندی مجموعه‌ای از کدها، اشیا و افراد هستند که پیرامون یک دال کلیدی جایابی شده و هویت خویش را در برابر مجموعه‌ای از غیریت‌ها به دست می‌آورند. (همان)

در تحلیل گفتمان، تمامی تحولات اجتماعی، حاصل منازعات معنایی میان گفتمان‌های متخاصم است و در روند آن هر گفتمانی همواره در تلاش برای حفظ معنای «خودی» و طرد معنای «دیگری» است.

هر گفتمان، حاصل مفصل‌بندی نشانه‌های مختلفی می‌باشد که مهم‌ترین این نشانه‌ها «دال برتر»^۹ است که هسته مرکزی منظومه گفتمانی را تشکیل می‌دهد و سایر دال‌ها یا نشانه‌ها^{۱۰} در اطراف دال برتر نظم می‌گیرند و جاذبه معنایی هسته مرکزی سایر نشانه‌ها را جذب و در خود نگه می‌دارد.

1. Discourse Analysis
2. Laclau, Ernesto.
3. Mouffe, Chantal.
4. Hegemony and Social Strategy: Towards a Radical Democratic Politics.
5. De Saussure, Ferdinand.
6. Marx, Karl.
7. Gramsci, Antonio.
8. Althusser, Louis.
9. Nodal Poin.
10. Signifiers.

هر گفتمانی تلاش می‌کند چارچوب مفهومی خود را مبتنی بر اولویت مفاهیم سیاسی و منطقی از قبیل هویت، زنجیره هم‌ارزی،^۱ خصومت، هژمونی و بی‌قراری^۲ (ازجاکنندگی) بنا سازد. هویت گفتمانی از طریق زنجیره هم‌ارزی که در آن نشانه‌های مختلف در تقابل با زنجیره‌های دیگر با هم مرتبط شده‌اند، ایجاد می‌شود. (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۴۳)

منطق هم‌ارزی می‌کوشد از طریق مفصل‌بندی بخشی از این نیروها، تمایزات آنها را کاهش داده و آنان را در مقابل یک «غیر» منسجم کند، بنابراین این منطق هم‌ارزی شرط وجود هر صورت‌بندی است. (لاکلا و موفه، ۲۰۰۱: ۱۳۴ - ۱۲۷) منطق تفاوت^۳ در مقابل زنجیره هم‌ارزی، به خصلت متکثر جامعه اشاره دارد و با تأکید بر تفاوت‌ها، مفهوم خصومت و غیریت^۴ برجسته می‌شود (همان) از آنجا که هر گفتمانی در سایه رقیب و خصم شکل می‌گیرد، هویت‌ها نیز تنها در پرتو «غیر» مشخص می‌شوند.

بنابراین بر مبنای این روش، مهم‌ترین عملی که صورت می‌گیرد و برای ساختن هویت نسلی مؤثر است، شناسایی فضای تخصص و غیریت‌سازی بین گفتمان‌های مختلف موجود در عرصه جهانی می‌باشد. «در هر جامعه‌ای معمولاً تعدادی از گفتمان‌ها وجود دارند که در وضعیت غیریت‌سازی و تخصص قرار دارند، در چنین شرایطی یکی از گفتمان‌ها خصلتی هژمونیک یافته و گفتمان‌های دیگر را سرکوب نموده یا حداقل آنها را در حاشیه قرار می‌دهد». (پهروزی لک، ۱۳۸۶: ۴۰)

هژمونی^۵ بیش از آنکه براساس زور بنا شده باشد، بر اقناع درونی قرار دارد (چولپاراکی و فرکلاف، ۱۹۹۹: ۲۴) و فرایند هژمونی، فرایند تولید معنا برای تثبیت قدرت و فرایند تثبیت موقت هویت‌ها است. (هوارث، ۲۰۰۰: ۱۵) بی‌قراری به معنای هر مسئله یا پدیده‌ای است که هویت‌یابی نیروهای اجتماعی با گفتمان مسلط را خدشه‌دار کرده و آنان را کم‌کم از گرد آن پراکنده می‌سازد. بی‌قراری، حاصل رشد خصومت و ظهور غیریت و تکثر در جامعه است و نشانه زوال هژمونی گفتمان مسلط و ناتوانی آن در تفسیر واقعیت و جذب عناصر اجتماعی به‌شمار می‌آید.

بر مبنای این روش، مهم‌ترین عملی که صورت می‌گیرد و برای ساختن هویت نسلی مؤثر است، شناسایی فضای تخصص و غیریت‌سازی بین گفتمان‌های مختلف موجود در عرصه جهانی است، «در هر جامعه‌ای معمولاً تعدادی از گفتمان‌هاست که در وضعیت غیریت‌سازی و تخصص قرار دارند، در

1. chain of equivalence.
2. Dislocation.
3. Difference.
4. Antagonistic.
5. Hegemony.

چنین شرایطی یکی از گفتمان‌ها، خصلتی هژمونیک یافته و گفتمان‌های دیگر را سرکوب نموده یا حداقل آنها را در حاشیه قرار می‌دهد». (پهروزی لک، ۱۳۸۶: ۴۰)

این مقاله بر مبنای تحلیل گفتمانی لاکلا و موفه سامان می‌یابد. در نگرش تحلیل گفتمان، جهانی شدن را به دو روش مورد بررسی قرار می‌دهند. یکی از روش‌ها، جهانی شدن را به‌منزله «گفتمان واحد جهانی» که خصلتی مدرن و یا پسامدرن دارد، و روش دوم این مقوله را به‌مثابه «عرصه نزاع گفتمان‌ها» (همان: ۹۹) در نظر می‌گیرد.

در این نوشتار با استفاده از روش تحلیل گفتمان «لاکلا و موفه»، شیوه دوم تلقی از جهانی شدن مدّ نظر قرار دارد. در این روش، گفتمان یا گفتمان‌های مسلط در صدد معنا بخشی به جهانی شدن و قرائت آن بر مبنای مفصل‌بندی خاص خود می‌باشند. در هر دو تلقی از جهانی شدن، آنچه به‌عنوان گفتمان مسلط و هژمونی شده شناسایی خواهد شد، گفتمان لیبرال دمکراسی خواهد بود که هم از تأثیرگذاری وهم از سیطره و نفوذ بیش تری نسبت به سایر گفتمان‌ها برخوردار است. این پژوهش، طراحی نظام گفتمان انقلاب اسلامی را به عنوان محور هویتی نسل سوم انقلاب اسلامی منظور نظر خواهد داشت و با قرار دادن آن در برابر گفتمان لیبرال غرب، با استفاده از روش تحلیل گفتمان «لاکلا و موفه»، تلاش می‌کند تا چالش‌های عرصه جهانی شدن را بر هویت نسل سوم انقلاب اسلامی تبیین نماید.

مفصل‌بندی گفتمان انقلاب اسلامی

جمهوری اسلامی نظام سیاسی دینی و انقلابی است که بر مبنای گفتمان انقلاب اسلامی استقرار یافته است. این گفتمان در سال ۱۳۵۷ / ۱۹۷۸ توانست با گردآوردن مفاهیم گوناگونی مانند استقلال، آزادی، عدالت، استکبارستیزی، مستضعفان، جهاد و شهادت در یک زنجیره هم‌ارزی و مفصل‌بندی آنها، حول محور دال مرکزی، اسلام ناب محمدی ﷺ بر مبنای حکومت ولایی (همان: ۱۹۲) منظومه معنایی مستقلی را تشکیل دهد و پس از فائق آمدن بر گفتمان‌های رقیب مانند لیبرالیسم غرب‌گرا و کمونیسم شرق‌گرا به جایگاه هژمونیک در جامعه ایرانی ارتقا یابد و رهبری فکری و دینی توده‌های مردم را در دست گیرد.

براساس نظریه لاکلا و موفه، «هر گفتمان، مجموعه‌ای از دال‌ها را در یک زنجیره هم‌ارزی در کنار هم و در تقابل با دیگری قرار داده و از این طریق به آنها معنا می‌بخشد.» (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۱۱۴)

گفتمان انقلاب اسلامی در جایگاه گفتمان برتر و مسلط در جامعه ایرانی، پدیده‌های سیاسی و

اجتماعی را برای سوژه‌ها^۱ (توده‌های مردم) معنادار و تصویری از «خود» و «دیگری» را در جهان پیرامون به آنان عرضه می‌کند. به عبارت دیگر معنابخشی، مهم‌ترین کارکرد گفتمان انقلاب اسلامی و ضامن تداوم هژمونیک آن خواهد بود؛ یعنی تا زمانی که بیشتر مردم ایران، به خصوص نسل جوان معانی تولید شده در گفتمان انقلاب اسلامی را بپذیرند و از دریچه این گفتمان به پدیده‌های جهان بنگرند، هویت اسلامی آنان تداوم خواهد یافت، اما اگر پایبندی عمومی به معانی گفتمان انقلاب و تعریف از «خود» و «دیگری» سست گردد و نسل جدید به گفتمان رقیب متمایل شوند، به ناچار هویت آنان دچار خدشه و بحران خواهد گردید.

مفصل‌بندی گفتمان لیبرال دمکراسی

گفتمان «لیبرال دمکراسی» در واقع از جنبه‌های گوناگون در تعارض با گفتمان «اسلام» و آموزه‌های اسلامی قرار دارد. لیبرال دموکراسی گفتمانی است که با دال‌های شناور یا «مفاهیم سیالی چون سکولاریسم،^۲ راسیونالیسم،^۳ پلورالیسم،^۴ فردگرایی، اقتصاد آزاد و ارزش‌های لیبرالی (سجادی، ۱۳۸۳: ۲۲۶) در زنجیره گفتمانی آن قرار دارند و با ارجاع به دال مرکزی «نئولیبرالیسم» معنا پیدا می‌کنند.

ویژگی‌ها و نیازهای نسل سوم

هویت، در تحلیل گفتمانی بر دو عنصر تمرکز می‌کند، نخست زنجیره هم‌ارزی است که سبب می‌شود افراد با ویژگی‌ها و شاخص‌های مشابهی کنار هم قرار گیرند. عنصر دوم، بعد سلبی یا زنجیره تفاوت‌هاست که نشان می‌دهد افراد چه کسانی نیستند و در تقابل با چه هویت‌هایی قرار دارند. به همین جهت تعریفی که از انسان و افراد درون یک گفتمان به صورت ایجابی شکل می‌گیرد، از ویژگی‌ها و جایگاه افراد در درون آن گفتمان نیز حکایت می‌کند.

برخی ویژگی‌ها نسل جوان، را می‌توان در ناپایداری در ارزش‌ها (خسروشاهیان، ۸ / ۶ / ۱۳۷۹)، عدم مشورت با دیگران (مددپور، ۱۳۸۲: ۸)، محوریت داشتن احساسات (افتخاری، ۱۳۸۳: ۲۶)، نداشتن مقاومت در برابر مشکلات (منطقی، ۱۳۸۳: ۹۳) و اموری از این دست دانست که این نسل را مستعد تأثیرپذیری هرچه بیشتر از شرایط جهانی شدن می‌کند.

1. Subject.
2. Secularism.
3. Rationalism.
4. Pluralism.

همچنین نیازهای نسل جوان را نیز می‌توان در سه بخش نیازهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در نظر گرفت. کاوشی گذرا در متون روان‌شناسی، بیانگر این واقعیت است که نسل جوان و نوجوان، دارای نیازهای خاصی است که برخی از آنها عبارتند از: نیاز به دوستی و مهربانی، امنیت و آسایش، احساس تعلق، مقبولیت و احترام، استقلال، قدردانی، داشتن هدفی مشخص در زندگی، احساس هویت و شناخت خود (برجلی، ۱۳۸۳: ۹۰ - ۸۲) و همچنین کسب هویت اجتماعی. (تاجیک، ۱۳۸۷: ۶۹) و نیاز به احساس رشد، کمال و خودشکوفایی، معنویت و مذهب. (برجلی، ۱۳۸۳: ۹۰ - ۸۲)

چالش‌های جهانی شدن

گفتمان اسلام سیاسی^۱ با تأثیر از بی‌قراری‌ها و آشفتگی‌های جامعه ایرانی و در پی غیریت‌سازی‌ها و منازعه‌های گفتمانی شکل گرفت و به گفتمان هژمونیک تبدیل شد. این گفتمان در حال حاضر در شرایط جهانی شدن، خود به مثابه یک گفتمان در معرض چالش‌ها و تعارض‌ها و خصومت‌های گفتمان لیبرال غرب قرار گرفته است.

الف) چالش‌های متن گفتمانی جهانی شدن بر هویت نسل سوم انقلاب اسلامی
گفتمان لیبرال دموکراسی غرب از جهانی شدن، به‌عنوان برجسته‌ترین روایت از آن، تهدیدات و چالش‌های فراوانی را نه تنها در ساختار هویت فردی بلکه در احیا و اشاعه هویت گروه‌های حاشیه‌ای جامعه (نظیر اقلیت‌های قومی، نژادی، مذهبی، زنان و جوانان) به وجود می‌آورد. صورت‌بندی غرب از جهانی شدن با ارجاع به دال مرکزی نئولیبرالیسم، سایر دال‌های سیاسی خود را معنا می‌دهد (حقیقت، ۱۳۸۵: ۵۶۹) و عمل سیاسی براساس آن شکل می‌گیرد. این طرحواره در ذات خود با مبانی اسلام و قرائت آن از جهانی شدن تعارض دارد و آن را به چالش می‌کشد. این تعارض به نفی نظام گفتمانی اسلام محور و هویت حاصل از آن منجر می‌شود و با تزلزل در هویت اسلامی جوانان، بحران معنا ایجاد می‌نماید.

۱. مفهوم اسلام سیاسی، بیشتر برای توصیف آن دسته از جریان‌های سیاسی اسلامی به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. بنابر این، اسلام سیاسی را می‌توان گفتمانی به‌شمار آورد که گرد مفهوم مرکزی «حکومت اسلامی» نظم یافته است. این گفتمان بر تفکیک‌ناپذیری دین و سیاست تأکید می‌کند. این دیدگاه اسلام را به‌مثابه یک ایدئولوژی جامع در نظر می‌گیرد که دنیا و آخرت انسان را دربر گرفته و برای همه حوزه‌های زندگی، دستورها و احکامی روشن دارد. (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۱۷) در اینجا منظور همان گفتمان انقلاب اسلامی است.

یک. نشانه‌ها و دال‌های چالش برانگیز گفتمان لیبرال غرب

نشانه‌ها و دال‌های هر گفتمانی بر محور دال مرکزی آن معنادهی می‌شود. گفتمان غرب این اجزا را بر محور دال مرکزی نئولیبرالیسم مفصل‌بندی می‌نماید که حاصل آن ارائه مفاهیمی است که در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی گفتمان انقلاب اسلامی و به دنبال آن هویت نسل جوان را تهدید می‌کند.

۱. **دال سیاست:** گفتمان لیبرال دمکراسی با غیریت‌سازی از گفتمان اسلام سیاسی، دال سیاست را بر محور دال مرکزی نئولیبرالیسم جامه غیر دینی می‌پوشاند و بدین ترتیب از پایان ایدئولوژی‌ها و هژمونیک شدن لیبرالیسم (سجادی، ۱۳۸۳: ۷) سخن می‌گوید.

۲. **دال اقتصاد:** جهانی شدن، تولید و اقتصاد لیبرالیستی را تقویت می‌نماید. (صلاحی، ۱۳۸۱: ۱۰) لیبرالیسم اقتصادی به حفظ آزادی اقتصادی، دفاع از حریم حاکمیت خصوصی، سرمایه‌سالاری و ترویج بازار آزاد و رقابتی تأکید می‌نماید. در نتیجه می‌توان گفت: لیبرالیسم اقتصادی، مترادف سرمایه‌داری یا کاپیتالیسم است. (آربلاستر، ۱۳۶۷: ۸۳)

الگوی اقتصاد لیبرال بر اصل آزادی مطلق فعالیت اقتصادی تأکید می‌کند، اما گفتمان اسلامی آزادی مزبور را در چارچوب شریعت اسلامی محدود می‌کند و آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی که از نظر اسلام بازدارنده تحقق ایده‌ها و ارزش‌های اسلامی است، نظیر ربا و احتکار را منع می‌نماید. (سجادی، ۱۳۸۳: ۱۰)

۳. **دال فرهنگ:** شاید بتوان چالش برانگیزترین تأثیرات جهانی شدن بر هویت نسل سوم را در عرصه فرهنگ و مسائل اجتماعی دانست. دال فرهنگ برجسته‌ترین نشانه هر گفتمانی است. «تاملینسون» معتقد است «جهانی شدن در ذات فرهنگ مدرن نهفته است و راه و رسم فرهنگی در ذات جهانی شدن». (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۱۳)

جهانی شدن با گسترش فرهنگ لیبرالی غرب سایر فرهنگ‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. از نظر برخی اندیشمندان، «جهانی شدن بر پایه آموزه‌های لیبرالیسم، به ساختار شکنی دیگر هویت‌ها و فرهنگ‌ها می‌پردازد و عالم‌گیر می‌شود و صورت‌بندی‌ها و الگوها و اقتضائات جدید را بر همه فرهنگ‌ها تحمیل می‌کند». (نکویی سامانی، ۱۳۸۶: ۲۴۰) و می‌کوشد تمام کنش‌های انسانی را وارد قلمرو بازار نماید. (هاروی، ۱۳۸۶: ۱۰)

به این ترتیب دال فرهنگ با تثبیت خود به عنوان یک نشانه در کنار سایر دال‌های گفتمان لیبرال دموکراسی در عرصه نزاع گفتمانی قرار می‌گیرد و تثبیت این نشانه به طرد معانی احتمالی نشانه‌های «دیگر» منجر می‌گردد. دال فرهنگ در نظام معنایی گفتمان لیبرال دموکراسی دست به گسترش می‌زند تا به هژمونی دست یابد.

گسترش این دال‌ها و نشانه‌های گفتمان جهانی شدن، تمام دال‌ها و نشانه‌های هویتی جوان مسلمان را که بر محوریت اسلام به عنوان واژگان نهایی شکل گرفته است، به چالش می‌کشد و از حوزه توجه آنان خارج می‌سازد.

ب) چالش‌های سخت‌افزاری و تکنولوژیکی گفتمان جهانی شدن

یک. استحاله فرهنگی / تمرکز تکنولوژی‌های ارتباطی و انحصار کنترلشان توسط شرکت‌های غربی تحولات شگرفی که در تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی صورت گرفته، چهره معرفتی و ارزشی بشر را دگرگون کرده است؛ به گونه‌ای که برخی سخت‌افزار فناوری را «ابزار و روش» و نرم‌افزار آن را «ارزش» نامیده‌اند و معتقدند سخت‌افزارها باید با نرم‌افزارها هماهنگ و همراه شوند تا کارایی آنها تحقق پیدا کند. (غنی نژاد، ۱۳۸۳: ۲۲) به همین جهت انسان‌ها نمی‌توانند با هرگونه تکنولوژی، همچنان باورها، ارزش‌ها و معرفت سنتی خود را حفظ کنند.

دیوید رایزمن از سه دوره تاریخی: سنت راهبر، درون راهبر و دگر راهبر برای حیات بشر یاد می‌کند. او معتقد است دوره دگر راهبر، دوران ظهور وسایل ارتباط جمعی است و پدیده‌هایی چون هدایت از راه دور، بتواره پرستی،^۱ شیء سروری^۲ و بحران هویت از ویژگی‌های آن است. (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۱۳۱) در این دوره عده‌ای با استفاده از قدرت جادویی وسایل ارتباط جمعی توده‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند و الگوهای خاص فکری و اجتماعی خود را القا می‌کنند؛ به گونه‌ای که بسیاری از نظریه‌پردازان از نقش فناوری و به‌ویژه رسانه‌های جمعی در شکل‌گیری هویت سخن گفته‌اند. (نیلی احمدآبادی، ۱۳۸۲: ۹۱) به‌زعم رایزمن، این دوره در تاریخ انسان با عنوان دوره‌ای ثبت خواهد شد که در آن «دیگران چند» (صاحبان و گردانندگان وسایل ارتباط جمعی) الگوهای حیات اجتماعی را می‌سازند. (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۱۳۱)

با توجه به اهمیت تکنولوژی‌های ارتباطی جدید، به طور کلی مجموع سهمی که ما در ارتباطات جهانی ایفا می‌کنیم، با تأکید بر شبکه اینترنت، در واقع چیزی زیر یک درصد است و با احتساب کل جهان اسلام این رقم به سه درصد می‌رسد. در قالب شرایط و امکانات موجود و معادلات نابرابری که وجود دارد، ایدئولوژی اسلامی در بهترین وجه به یک مصرف‌کننده در این حوزه تبدیل خواهد شد. معنای هویتی و امنیتی‌اش این است که در بهترین حالت، سال‌های چالش برانگیزی برای مؤلفه‌های ایدئولوژیک خود در جهان معاصر پیش رو داریم. (افتخاری، ۱۳۸۳: ۲۸)

1. Fetishism.
2. Commodification.

بنابراین در چنین شرایطی گفتمان لیبرال دمکراسی از طریق برتری بر ابزار تکنولوژیک، در پی برجسته‌سازی دال‌های این گفتمان، زمینه هژمونی نظام معنایی خود را در تقابل با نظام هویت بخش اسلام فراهم نموده و تأثیرات هویتی قابل توجهی در زمینه ارزشی بر نسل سوم انقلاب اسلامی ایران ایجاد می‌کند.

دو. انزوای اجتماعی و شکاف نسلی

رشد روز افزون تمدن الکترونیک و فناوری جدید، همراه با خود و همچنین سرعت رو به گسترش تغییرات حاصل از آن، وضعیت جدیدی را برای زندگی به همراه می‌آورند؛ به گونه‌ای که برخی معتقدند تعاملات مجازی در نهایت منجر به ایجاد انزوای اجتماعی و کاهش تعاملات کاربر جوان در دنیای واقعی وی، خصوصاً از لحاظ عمق و کیفیت منجر می‌شود و عموماً استفاده بیشتر از اینترنت با کاهش ارتباطات اجتماعی خصوصاً از نوع ارتباطات نزدیک و صمیمی با اعضای خانواده، دوستان نزدیک و غیره همراه است. (ذکایی، ۱۳۸۳: ۱۲)

به همین جهت جهانی شدن و تغییرات حاصل از تکنولوژی‌های جدید به همراه برتری تکنولوژیکی غرب، فضای مساعدی را برای هژمون شدن گفتمان لیبرال غرب در غیریت با گفتمان انقلاب اسلامی ایجاد می‌کند که سرعت و جذابیت این تغییرات به همراه فرهنگ مخصوص خود، هویت نسل جدید را تهدید می‌کند. جوانان به دو دلیل تحت تأثیر جذابیت این فضا قرار می‌گیرند:

۱. نوآوری و آمادگی برای پذیرش تازگی‌ها که در تمامی مراحل زندگی آنها تأثیر می‌گذارد؛ به صورتی که هر روز بیش‌تر از دیروز از فرهنگ ملی خود دور شده و جذب فرهنگ بیگانه می‌شوند. البته عدم درک تغییرات جدید جوانان از سوی نسل قدیم به این جریان دامن می‌زند. در پژوهشی که در ارتباط با نسل‌ها صورت گرفته، رابطه معنادار بین جوان و افزایش میل به کسب اطلاعات بیشتر و استفاده از رسانه‌های متعدد، با عنایت به اینکه جوانان نسبت به بزرگسالان از سطح بالاتری از تحصیلات بهره‌مندند، بیانگر تفاوت نگرش بین دو نسل است. (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۰۱)

۲. عشق به سرعت که جوان امروزی تحت تأثیر سرعت و عشق به آن قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که تمام زوایای زندگی خود را انتظام می‌بخشد و این سرعت، فاصله میان وی و نسل گذشته را لحظه به لحظه بیشتر می‌کند. (ستار، ۱۳۸۸: ۲۶۲) این سرعت در ایجاد شکاف نسلی و استمرار آن نقش بسزایی ایفا می‌کند؛ به نحوی که در درون گروه‌های جوان جامعه نیز شکاف نسلی را دامن زده است. (همان)

البته باید در نظر داشت که هرگاه تغییر، آهسته و با آهنگی متناسب با نیازهای موجود و

به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده و قابل کنترل صورت پذیرد، به گسست نسل‌ها منجر نخواهد شد؛ زیرا در تغییرات شدید و گسترده به همراه پیامدهای عمیق اجتماعی است که فاصله عمیق بین دو یا چند نسل در یک روند زمانی اتفاق خواهد افتاد. (دادگر، ۱۳۸۸: ۳۵۵)

سه. مهاجرت‌های فرهنگی

تنوع فرهنگی یا به تعبیر جامعه‌شناسی جهانی، فراملی شدن فرهنگی^۱ - به‌عنوان پیامد جهانی شدن - موجب تشویش‌های جدی در الگوها، ایده‌آل‌ها و انتظارات در زندگی روزمره، خانواده، محیط کار، دانشگاه و هویت فردی و اجتماعی شده است. قرار گرفتن فرد در انبوهی از فرهنگ‌ها خصوصاً جهان مجازی نوعی تشویش ناشی از «گم‌گشتگی» را به وجود آورده است. از سخن پائول ویرلیو^۲ (۲۰۰۱: ۲۴) می‌توان گفت که «جهان واقعی» فرد در «جهان‌های تصویری» و یا به تعبیر عام‌تر جهان مجازی او گم شده است و فرد از این میان راه و جهت خود را نمی‌تواند پیدا کند. این همان مقوله‌ای است که فیدرستون^۳ (۱۹۹۵: ۱۲۹) تحت عنوان «غیر واقعی کردن واقعیت»^۴ از آن سخن می‌گوید. او معتقد است این فرایند موجب تکه تکه شدن اجتماعی و تهدید هنجارها و ساختار اجتماعی می‌شود و به دنبال آن حدود اجتماعی در حوزه روابط متقابل چهره به چهره با ضعیف شدن حوزه کلی حیات اجتماعی از بین می‌رود.

به همین جهت توسعه تنوع فرهنگی، عامل توسعه تقاضاهای جدید در میان فرهنگ‌های پیرامون خواهد شد. فرهنگ‌های ضعیف یا فرهنگ‌هایی که در حوزه بومی اقتناع نمی‌شوند و تمایلات فراملی فرهنگی پیدا می‌کنند، دست به «مهاجرت‌های فرهنگی» می‌زنند. مهاجرت فرهنگی، مهاجرتی است که طی آن فرد بدون مهاجرت واقعی از سرزمینی به سرزمین دیگر و از یک حوزه فرهنگی به حوزه فرهنگی دیگری که ممکن است آن سوی جهان باشد، منتقل می‌شود. فرد در چنین حالتی تلاش می‌کند مسیر زندگی خود را براساس ادبیات، هنر، مدل زندگی، غذا خوردن، لباس پوشیدن، گذراندن اوقات فراغت، ارزش و تمایلات اخلاقی، فرهنگ مورد علاقه خود تطبیق دهد. تعلق به فرهنگ دیگر و زندگی کردن در فرهنگی کاملاً متفاوت با حوزه تعلق و علاقه فرهنگی می‌تواند به ظهور تشویش، دل‌پره و ناکامی و خواسته‌های ارضا نشده منجر شود. در چنین شرایطی ممکن است نوعی تجزیه فرهنگی و ظهور هویت‌های جدید مثل هویت‌های دورگه^۵ و هویت‌های

1. Cultural transnationalization.
2. Paul Virillio.
3. Featherstone.
4. The De-realization of real.
5. Hybrid Identity.

نامعین^۱ رخ دهد. (عاملی، ۱۳۸۲: ۱۵۸) جوانان در این محیط از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردارند، به‌ویژه در دورانی که هویت آنان شکل می‌گیرد، این خطر پر رنگ‌تر می‌شود. با امکانات و گزینه‌های فراوانی که رسانه‌های عمومی از جمله اینترنت در اختیار جوانان می‌گذارند، آنان دائماً با محرک‌های جدید و انواع مختلف رفتار آشنا می‌شوند. چنین فضایی هویت نامشخص و پیوسته متحولی را می‌آفریند، خصوصاً برای نسلی که در مقایسه با نسل قبل با محرک‌های فراوانی مواجه است. همچنین از طریق رسانه‌های جمعی، افراد خط مفروض میان فضای عمومی و خصوصی را تجدید سازمان می‌کنند و این امکانی است که جوانان فعالانه از آن استفاده می‌کنند. جوان به خصوص در دوران بلوغ که مرحله شکل‌گیری هویت اوست و همواره به دنبال کشف ارزش‌ها و درونی کردن آنها می‌باشد، با اینترنت و حجم گسترده اطلاعات مواجه می‌شود و ناچار است که در این دنیای مجازی، هویت خویش را از طریق جستجو پیدا کند و بدین سان ممکن است برخی و شاید تعداد زیادی از نوجوانان راه را در اینترنت گم کنند و دوران هویت‌یابی خویش را بیش از پیش با بحران سپری کنند. (طارمی، ۱۳۸۷: ۳۶)

حاصل آنکه گفتمان‌ها همواره با غیریت‌سازی و به حاشیه بردن رقیب، سعی در تثبیت و هژمون شدن خود دارند و با توجه به اینکه هویت‌ها را گفتمان‌ها ایجاد می‌کنند و شکل‌گیری گفتمان مقدم بر شکل‌گیری هویت‌هاست. (اسمیت، ۱۹۹۸: ۵۶) به همین جهت ایجاد بحران و بی‌قراری در گفتمان خودی، به بحران در هویت جوان می‌انجامد. جهانی شدن با اتکا بر گفتمان لیبرال غرب سعی در تثبیت نظام معنایی خود با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی، موجبات بحران و بی‌قراری در گفتمان انقلاب اسلامی را فراهم می‌کند و بی‌قراری در گفتمان، تزلزل در هویت افراد به‌ویژه جوانان را که در مرحله شکل‌گیری هویتی می‌باشند، را به دنبال خواهد داشت.

ج) چالش‌های ایدئولوژیک عرصه نرم‌افزاری جهانی شدن

مقصود از بعد ایدئولوژیک جهانی شدن آن است که جهانی شدن مشتمل بر مجموعه‌ای از بایدها و نیایدهای مرتبط با زندگی عملی جوامع انسانی است (سجادی، ۱۳۸۶۳: ۸۶) و این بعد از جهانی شدن به دلیل اتکا بر پیش‌فرض‌های ارزشی، اخلاقی و فرهنگی نسبت به رویه تکنولوژیک آن، تعارض بیشتری با اسلام و باورهای دینی دارد. برخی چالش‌های ایدئولوژیک عبارتند از:

یک. چالش در حوزه هستی‌شناسی

یکی از مبانی پست مدرنیست‌ها توجه به بی‌نهایتی معنا به‌عنوان منبعی برای ساختن هویت‌ها و ساختارها می‌باشد، به همین جهت جهانی شدن از طریق ایجاد تنوع در ابراز هویت فرهنگی و طرح

1. Undeterind Identity.

بدیل‌های متکثر، موجب جداسازی جوانان دین‌دار از مبانی حقیقت‌محور و یقین‌آور نظام معنایی شان گردیده (رضایی، ۱۳۸۰: ۲۵۳ - ۲۵۲) و موجب غلبه نسبی‌گرایی و اباحه‌گری در میان آنان می‌شود. در این صورت بحران جدی در مقابل جامعه‌ای مانند جامعه ما این است که بنیاد ایدئولوژیک هویتش را در آن لایه‌های زیرین، دستخوش تغییر و تحول خواهد دید. تعابیر، اصطلاحات و آموزه‌های اسلامی به شدت نقد خواهد شد و اصول، آموزه‌ها و نگرش‌های لیبرال - دمکراسی حتی با توجی‌های دینی مورد پذیرش واقع خواهند شد و جامعه در پایین‌ترین لایه خود تحولی شدید را تجربه خواهد کرد که در این صورت ما با دین تازه‌ای مواجه خواهیم بود، نه با نفی دین و این در واقع رکن اول تزلزل هویتی است که ما با آن مواجه خواهیم بود. (افتخاری، ۱۳۸۳: ۳۳) این امر نظام معنایی جوان مسلمان را به چالش کشیده و هویت نسل جدید را دچار تزلزل خواهد نمود.

دو. حوزه روابط و ساختارهای اجتماعی

جهانی شدن ساختارهای قدرتمندی پدید می‌آورد که همه هویت‌های فردی و جمعی را نادیده می‌گیرد یا دست‌کم دگرگون می‌سازد. به بیان دیگر، جهانی شدن نظام‌های کارکردی را در زندگی اجتماعی مسلط می‌سازد. این نظام‌ها ابزاری هستند و تعلق گروهی یا شانی در آنها چندان محلی از اعراب ندارد. با جهانی شدن، دنیایی از بازارها، شبکه‌ها و سازمان‌های استراتژیک شکل می‌گیرد که عمدتاً با الگوی انتظارات عقلانی، مانند غرایز، قدرت طلبی و محاسبات خودخواهانه اداره می‌شوند و نیازی به هویت ندارند. (کاستلز، ۱۹۹۷: ۳۵۵)

تغییر و دگرگونی در روابط و ساختارهای اجتماعی، که نقش مؤثری در پایداری و قوام نظام معنایی افراد ایفا می‌کند، بر انتقال فرهنگ بین نسل‌ها وقفه ایجاد کرده و در اثر تغییر این ساختارها، روابط جمعی تغییر می‌کنند یا اهمیت خودشان را از دست می‌دهند، شکاف نسلی و ارزشی بین نسل‌ها پیش می‌آید. (رضایی، ۱۳۸۰: ۲۵۳ - ۲۵۲) به گونه‌ای که برخی صاحب نظران نگران از دست رفتن ارزش‌ها و هویت‌ها هستند. آنان به تعارض‌های میان ارزش‌های سنتی و مدرن اشاره می‌کنند و معتقدند چنین تعارض‌هایی به ویژه نسل جوان و نوجوان را آماج خود قرار داده است. آنها نگران کنار گذاشتن ارزش‌های سنتی در زمینه‌های مختلف هستند. (حاضری، ۱۳۸۰: ۴۱)

گفتمان لیبرال دمکراسی در تقابل با گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه روابط و ساختارهای اجتماعی با مسلط کردن نظام‌های کارکردی فاقد هویت، موجب تعارض میان ارزش‌های سنتی و مدرن را فراهم کرده و با ایجاد وقفه در انتقال فرهنگی میان نسل‌ها، زمینه جدایی نسل جدید را به وجود می‌آورد.

سه. از بین رفتن عدالت

اقتصاد آزاد یکی از نشانه‌های مفصل‌بندی شده در گفتمان لیبرال دموکراسی است. اقتصاد آزاد یا غیر متمرکز بر اصل آزادی افراد در فعالیت‌های اقتصادی و محدود ساختن مداخله دولت در امور اقتصادی استوار است. اصل رقابت یکی از اصول و مبانی این گفتمان محسوب می‌شود.

به‌طور کلی ماهیت رقابت در نظام سرمایه داری ایجاد بی‌عدالتی است و این امر آن چنان روشن است که چون نظریه‌پردازان این نظام به مبانی آن پایبند هستند، ناچار شده‌اند با شهامت عدالت را نفی کنند. برای مثال هایک^۱ می‌گوید: توزیع درآمد و ثروت ناشی از نظم بازار ممکن است برای بعضی کسان بسیار ناگوار آید؛ یعنی بازندگانی باشند که از هر نظر شایستگی‌شان بیشتر از برندگان است، اما این وضع را نمی‌توان ناعادلانه خواند، چون هیچ رفتار ناعادلانه‌ای آن را به وجود نیاورده است. (غنی نژاد، ۱۳۷۶: ۲۴۳)

بدین صورت، اندیشه‌های لیبرالیسم از منظر عدالت اجتماعی با چالش جدیدی روبه‌رو است؛ زیرا اصل اساسی لیبرالیسم، پذیرش نابرابری است و جهت ایجاد رقابت اقتصادی به تشویق نابرابری و ترویج آن می‌پردازد. دموکراسی لیبرال، توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی را به ارمغان می‌آورد، اما این همه مواهب در اختیار تعدادی از انسان‌ها و بخشی از جوامع بشری قرار دارد. افزایش رفاه اقتصادی و توسعه مادی در پناه دموکراسی لیبرال که به صورت بخشی صورت می‌گیرد، با افزایش بی‌عدالتی و فقر جمعیت فراوانی از افراد بشر روبه‌رو خواهد بود. (سجادی، ۱۳۸۳: ۱۳۸)

پژوهشی که به بررسی ابعاد جهانی شدن و نابرابری با تأکید بر ایران پرداخته شده، نشان می‌دهد که آزادسازی مالی و تحرک سرمایه ناشی از جهانی شدن به گسترش نابرابری در جامعه منجر می‌شود. (یزدانی، ۱۳۸۴: ۱۳)

عدالت در اسلام اصل اساسی است که رفاه و توسعه براساس آن استوار می‌شود. اهمیت این مقوله از نظر اسلام به گونه‌ای است که قرآن کریم عدالت را یکی از اهداف ارسال رسل و انزال کتاب معرفی می‌کند. (حدید / ۳۱)

نابرابری و گسترش تبعیض و بی‌عدالتی ناشی از حاکمیت نظام سرمایه‌داری در جهان از طرفی و گسترش وسایل ارتباط جمعی از سوی دیگر، باعث اطلاع روزافزون کشورهای محروم از برخورداری و رفاه کشورهای شمال گردیده و می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد حس خودکم‌بینی، تحقیر و ناراحتی‌های روانی و روحی در این‌گونه جوامع شود. (مکارم، ۱۳۸۲: ۱۰۷) و بدون تردید این تأثیرات در جوانان به دلیل ویژگی‌ها خاص و عدم شکل‌گیری کامل هویتی در آنان به مراتب بیشتر خواهد بود.

1. Hayek Fridrich Agust Von.

نتایج و تبعات دیگر نابرابری را در تغییر در ارزش ها، انقطاع فرهنگی، اجتماعی، قانون‌گریزی، افزایش نرخ بیکاری، تأخیر در امر ازدواج، تغییر در سبک و شیوه زندگی، می‌توان مشاهده نمود.

چهار. گرایش بیش از حد بر فردگرایی

در مکتب لیبرالیسم، فردگرایی به مثابه عنصر اساسی آن مد نظر قرار گرفته است. جان لاک^۱ (۱۷۰۲ - ۱۶۳۲ م) و توماس هابز^۲ (۱۶۷۹ - ۱۵۸۸ م) که از نویسندگان این مکتب محسوب می‌شوند، برای فرد اهمیت شایانی قائلند. «هابز»، انسانی را به تصویر می‌کشد که فاقد هرگونه کیفیت اجتماعی است و می‌گوید: «ما جامعه را بنا بر طبیعت مان، به خاطر خود جامعه نمی‌جوئیم، بلکه به این دلیل که احیاناً امتیاز یا منفعتی کسب کنیم (جستجو می‌نماییم) اینها امیال اولیه ماست و خواستن جامعه فرع بر آن می‌باشد». (آر بلاستر، ۱۳۷۶: ۲۰۳)

فرد^۳ یا فردگرایی به معنای تمایل کنشگر به دنبال کردن اهداف شخصی در مقابل اهداف جمعی است. اهداف شخصی هدفی هستند که در آن علایق، اهداف، منافع و تمایلات فردی به مراتب مهم‌تر از انتظارات جمعی می‌باشد. در این وضعیت افراد احساس تعهد ضعیفی نسبت به جمع یا جامعه دارند. در واقع سنجش فردگرایی از مؤلفه‌های ارزش‌های خودخواهانه شامل: لذت‌طلبی، کاهش پابندی به سنت، حسابگری و آرزوهای خودخواهانه، عدم احساس مسئولیت اجتماعی نسبت به خانواده و مردم و عدم رعایت حقوق دیگران و تمایل به انزوای طلبی تشکیل شده است. (نوروزی، ۱۳۷۵: ۲۰)

فردگرایی، جامعه‌پذیری جوانان را دچار اختلال می‌کند و چه بسا به انزوای اجتماعی بینجامد. (شجاعی، ۱۳۸۷: ۹۲) در نتیجه نسل جدید بیش از آنکه اجتماعی شود، فردی می‌شود، عالم بازی‌اش را دیگر با دوستانش نمی‌گذراند بلکه با اینترنت، کاست‌ها، گوشی‌ها و فیلم‌های ویدئویی می‌گذراند؛ یعنی خودش تنهای تنهاست. (فیرحی، ۱۳۸۲: ۷۸)

تأکید بیش از حد بر فردیت انسان، به عنوان پیامد عصر جدید، ممکن است به تدریج به پدیده «خود شیفتگی» آدمی منجر شود، «انسان خود شیفته» از مظاهر عصر جدید است (فروم، ۱۳۶۶: ۱۴) انسانی که پیوسته منتظر است تا دیگران محبت و عشق خویش را نثارش کنند، ولی چنین وظیفه‌ای را برای خود در قبال دیگران قائل نیست. به طور یک جانبه مترصد دریافت عواطف دیگران باقی می‌ماند، ولی خودگامی پیش نمی‌نهد تا محبت و عواطفش را نثار دیگران کند، نتیجه منطقی چنین وضعیتی، گسست عاطفی نسل‌ها از یکدیگر است، نسل‌هایی که انگیزه کمتری برای نثار عاطفی به

1. Lock. John.
2. Hobbes. Thomas.
3. Individualism.

یکدیگر می‌یابند؛ زیرا خود شیفتگی و محدودیت‌های ناشی از آن مجال برای این امر باقی نمی‌گذارد. (باقری، ۱۳۸۲: ۱۱۵)

حاصل آنکه ورود ارزش‌های جدید و پذیرش آن از سوی جوانان، فرایند رشد فردگرایی را به‌عنوان یکی از نشانه‌های مفصل‌بندی گفتمان لیبرال دموکراسی، اجتناب‌ناپذیر می‌کند؛ به‌گونه‌ای که ما شاهد رشد فردگرایی در میان نسل جوان هستیم. این امر موجب می‌شود که نسل جوان دیگر چندان خود را در چارچوب هنجارهای گذشتگان تعریف نکرده و به دنبال الگوهای جدید در زندگی باشد که براساس عواملی چون منفعت‌طلبی، استقلال‌گرایی، خودتصمیمی و خودمحوری بنا نهاده می‌شود. (معید فر، ۱۳۸۹: ۱۰۸)

پنج. تغییر در گروه‌های مرجع

در ادوار پیشین، نسل‌های جدید عمدتاً از مراجع و الگوهای جامعه خویش متأثر بودند، اما امروزه به جهت گسترش فوق‌العاده فناوری ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی در عرصه جهانی، این جریان به شدت گسترده‌تر و ماهیتاً فراملی گردیده، به‌گونه‌ای که نسل‌های کنونی دیگر تنها از طریق عناصر جوامع ملی خود وارد فرایند جامعه‌پذیری نمی‌گردند، بلکه فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای جوامع پرنفوذ جهانی نیز به مقدار معینی در جریان جامعه‌پذیری افراد نقش دارند. (سمتی، ۱۳۸۲: ۱۸۶)

نسل جوان به جهت عدم پایداری در ارزش‌ها و به بهانه کهنه و متحجر بودن ارزش‌ها و رسوم بزرگ‌ترها و وجود گروه‌های هم‌سال و احساس تعلق به آن گروه‌ها، گرایش بیشتر به سوی تجملات، الگوهای ارزشی‌ای را می‌پذیرند که گاهی نشئت گرفته از فرهنگ وارداتی و بی‌مایه غرب و تمایلات نوگرایانه و تنوع‌طلبانه است و با هنجارها و ارزش‌های جامعه مخالفت می‌ورزد. (خسروشاهیان، ۱۳۷۹) چنانچه ارزش‌ها و هنجارهای گروه‌های مرجع با ارزش‌ها و هنجارهای کلی نظام اجتماعی هم‌خوانی و تطابق داشته باشد، مشروعیت نظام اجتماعی بالا می‌رود و از شدت مسائلی چون بحران هویت، ناهنجاری‌های اجتماعی و شکاف ارزشی نسل‌ها کاسته می‌شود. (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۴۳۹)

تعدد مرجع‌های اجتماعی، هویت‌سازی سنتی را دشوار می‌سازد. اندک و حتی واحد بودن مرجع‌های اجتماعی در جوامع سنتی که نیاز هویتی انسان‌ها به تعلق و همبستگی اجتماعی را به آسانی تأمین می‌کرد، از بین می‌رود و فرد ناگزیر می‌شود که با واحدهای اجتماعی کوچک و بزرگ مختلفی هویت پیدا کند. منابع و گزینه‌های هویتی که در چنین شرایطی عرضه می‌شوند، نه تنها متعدد و متنوع هستند، بلکه گاهی در تعارض با یکدیگر نیز قرار دارند. بدین ترتیب مرجع‌های اجتماعی و در نتیجه هویت‌ها نسبی می‌شوند. این نسبیت فراگیر، هویت‌سازی را به مسئولیت دشوار

فردی و زندگی اجتماعی را به عرصه‌ای تعارض گونه^۱ تبدیل می‌کند. (گل محمدی، ۱۳۸۰: ۳۸-۳۷)

این فرایند با سیطره فرهنگ جهانی تکمیل می‌گردد؛ به گونه‌ای که سلطه فرهنگ جهانی بر سیستم‌های ماهواره‌ای، ساخت فناوری اطلاعاتی، بنگاه‌های خبری، تبلیغات، تولید برنامه‌های تلویزیونی و صنعت فیلم سازی، موجب شکل‌گیری الگوهای مرجع جدید و ارزشی برای نسل جوان گردیده و هویت این نسل را مورد تهدید قرار می‌دهد. سلطه هالیوود بر صنعت سینما، ترجیح موسیقی پاپ امریکایی به‌ویژه برای نسل جوان، نقش بستن چهره‌های محبوب صحنه‌های هنری امریکا بر پیراهن‌های جوانان و نوجوانان (هینس، ۱۹۹۹: ۱۶) را می‌توان مصادیق بارزی از این سلطه فرهنگی و رسانه‌ای به حساب آورد.

شش. مصرف‌زدگی

نظام سرمایه‌داری که ماهیتاً گسترش طلب است و گرایشی جهانی دارد، همواره می‌کوشد جهان را به بازاری برای تولید و مصرف تبدیل کند. بنابراین درصدد است تا به کمک ایدئولوژی یا فرهنگ مصرفی^۲ و تصورات مردم از هویت و نیازهای خود، آنها را به مصرف‌کنندگانی در خدمت فرایند انباشت سرمایه تبدیل کند. فرهنگ مصرفی، مردم را - به‌ویژه نسل جوان را که طالب نوآوری است - ترغیب و تشویق می‌کند که بیش از نیازهای زیستی خود مصرف کنند. در این فرهنگ اصل بر آن است که معنا و مفهوم زندگی باید بر آنچه شخص داراست، استوار باشد. مصرف کردن؛ یعنی زندگی حقیقی کامل و برای رسیدن به این سطح از زندگی، راهی جز مصرف کردن وجود ندارد؛ (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۳) به‌گونه‌ای که در این جوامع مصرف راه ایده‌آلی است برای جلوه‌گر ساختن قدرت پولی شخص، به دیگرانی که غیر از آنچه می‌بینند (ظاهراً) منبعی برای شناختش ندارند.

امروزه برندگرایی به عنوان یک مقوله هویتی، پدیده‌ای است که متأسفانه در جامعه مصرفی امروز ما، در میان جوانان جایگاه ویژه یافته است. جوانان با گرایشی روز افزون به مصرف برندهای بین‌المللی، خود را دخیل، همراه و هم پای فرایندهای بین‌المللی، مدهای جهانی و به روزترین محصولات و خدمات ارائه شده به وسیله برندهای پذیرفته و همه گیر، تلقی و بدین سان هویت‌یابی می‌کنند. به عبارت دیگر، خود را می‌شناسند و می‌شناسانند.

روی آوردن جوانان به خریداری بدلیجات مارک دار بین‌المللی مانند (SWATCH, CHANEL, BULGARI, VERSACE و ...) نشانه ثروت و البته نوعی از تشخص برای جوانان محسوب می‌شود. (عرفانی، ۱۳۹۱: ۶۶) اگرچه باید اضافه کرد که برندها رابطه نزدیک با

1. Paradoxical.
2. Consumer Culture.

رسانه‌ها دارند، بر این اساس هواداری، وفاداری و تعهد عاطفی به برند (در میان جوانان) بدون بهره‌گیری از تبلیغات رسانه‌ای و ورود به رسانه‌های اجتماعی ناممکن است. (همان: ۶۹) در میان نوجوانان و جوانان تهرانی، سرکشی روزانه به وب سایت‌های این برندها و الهام‌گیری از قهرمان‌های یک برند در نوع پوشش، آرایش مو، صورت و غیره یک عادت مدام نو شونده و گسترش‌یابنده است؛ به گونه‌ای که خیرداشتن از جدیدترین محصولات یک برند جهانی و توانایی در بیان و انتقال ویژگی‌های آن به دوستان، به یک ارزش بدل شده است. این مورد را به‌ویژه درباره گوشی‌های همراه، تبلت‌ها و وسایل الکترونیکی در میان پسران نوجوان می‌توان دید. به موازات آن، در میان دختران نیز معادل‌هایی همچون لوازم آرایش، کیف، کفش، تزئینات خانه و اتاق خواب، لباس و پوشاک و حتی خوراکی‌های خاص یافت می‌شود.

در جامعه مصرف زده، مصرف به شکل اصلی ابراز وجود و منبع اصلی هویت اجتماعی تبدیل می‌شود و افراد از طریق مصرف بیشتر هویت می‌یابند. (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۶) چنین رفتارهای اجتماعی نوعی استراتژی‌های فرهنگی هستند که در شرایط افول هویت‌های سنتی و مدرن، ابراز وجود را از طریق تولید کالای هویت، ممکن می‌سازند. (فریدمن، ۱۹۹۴: ۱۹۲)

گفتمان لیبرال غرب جهت تداوم سلطه و حفظ هژمون خود، با همگن‌سازی و یک دست نمودن جهان از طریق جهانی کردن کالاهای مصرفی و فرهنگی خود سعی دارد تا علاوه بر عالم‌گیر ساختن ارزش‌ها، الگوهای زندگی و رفتاری خود، همچنان سردمدار نظام اقتصادی در دنیا باشد.

در غیریت‌سازی با گفتمان هژمونیک شده غرب، اسلام در حوزه مصرف، انگیزه‌های طبیعی انسان را انکار نمی‌کند و بر تأمین نیازها تأکید می‌ورزد، اما به لذت شخصی انسان اصالت نمی‌دهد، از این‌رو گرچه جوان مسلمان می‌تواند درآمد مشروع خود را صرف مصارف خود کند، مصرف در حد کفاف ستوده است و بیشتر از آن سفارش نشده و وقتی به حد اسراف برسد تحریم شده است. (معصومی نیا، ۱۳۸۳: ۷۴)

نتیجه

این مقاله در قالب تحلیل دو متغیر، در پی یافتن پاسخی برای این پرسش اصلی بود که متغیر مستقل جهانی شدن چه تأثیری بر متغیر وابسته هویت نسل سوم انقلاب اسلامی دارد. لذا تلاش گردید مباحث و استدلال‌ها از آغاز تا انجام بر مبنای نظریه گفتمان لاکلا و موفه انجام شود.

در مقاله با بهره‌گیری از آموزه‌های نظریه گفتمان ضمن تأکید بر منوط بودن هویت نسل سوم به تداوم هژمونیک گفتمان انقلاب اسلامی، این فرضیه را طرح و سپس اثبات کرد که جهانی شدن

به عنوان عرصه نزاع گفتمانی، زمینه بی‌قراری گفتمان انقلاب اسلامی را در غیریت با گفتمان لیبرال دمکراسی فراهم و در نتیجه موجبات تزلزل در هویت نسل سوم را به وجود خواهد آورد. همان‌گونه که هویت نسل سوم بر شالوده گفتمان انقلاب اسلامی استوار شده، حفظ استحکام و تثبیت آن به استمرار هژمونی گفتمان انقلاب وابسته است. بنابراین، وقوع هرگونه تزلزل و از جاشدگی در این منظومه گفتمانی به سست شدن مفصل بندی این گفتمان منجر خواهد شد و در نهایت هویت نسل سوم را به شدت آسیب‌پذیر خواهد ساخت.

گفتمان‌ها برای طرد رقیب، تثبیت خود و سامان‌دهی جامعه، نیاز به ابزارهای قدرت و استراتژی‌های مؤثر طرد و به حاشیه رانی دارند. جهانی شدن به کمک تکنولوژی‌های ارتباطی، فضای تخصص و غیریت را گسترش داده است. در فضای موجود، گفتمانی که برتری تکنولوژیکی داشته باشد، یقیناً امکان بیشتری برای برجسته‌سازی نظام معنایی خود خواهد داشت و در حال حاضر گفتمان هژمونیک غرب در برتری به لحاظ تکنولوژیکی، نسبت به گفتمان انقلاب اسلامی قرار دارد و اصولاً گفتمان‌های هژمونیک ما را می‌دارند تا آن‌گونه بیندیشیم و آن‌گونه ببینیم که گفتمان مسلط می‌خواهد. (تاجیک، ۱۳۸۷ ب: ۱۴۳) اگرچه گفتمان انقلاب اسلامی به دلیل در دسترس بودن و قابلیت اعتبار - به شرط بالا بردن توان نظریه‌پردازی کافی برای سامان دادن به تقاضاهای نسل جدید - می‌تواند همچنان به عنوان گفتمان هژمون از قابلیت هویت‌بخشی برای نسل جدید برخوردار باشد.

منابع و مأخذ

۱. آریلاستر، آنتونی، ۱۳۷۶، *ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب*، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.
۲. آزاد ارمکی، تقی و غلامرضا غفاری، ۱۳۸۶، *جامعه‌شناسی نسلی در ایران*، تهران سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۳. افتخاری، اصغر، ۱۳۸۳، *کالبد شکافی هویت، مبانی، بحران‌ها و راهکارها*، در *هویت در ایران، علی‌خانی*، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۴. باطنی، محمدرضا، ۱۳۷۱، *فرهنگ معاصر*، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
۵. باقری، خسرو، ۱۳۸۲، *امکان و عوامل گسست نسل‌ها در پدیده گسست نسل‌ها: رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روان‌شناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی، علی‌خانی*، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۶. برجعلی، احمد، ۱۳۸۳، «نیازهای نسل نو»، *حدیث زندگی*، شماره ۱۷.

- تحلیل گفتمانی چالش‌های جهانی شدن بر هویت نسل سوم ... □ ۱۸۹
۷. بهروزی لک، غلامرضا، ۱۳۸۶، *جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱.
۸. بیکر، ترزال، ۱۳۷۷، *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، انتشارات روش.
۹. پاستر، مارک، ۱۳۷۷، *عصر دوم رسانه‌ها*، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران، مؤسسه ایران.
۱۰. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۸۱، «جامعه ایرانی و شکاف نسلی»، *راهبرد*، تهران، شماره ۲۶.
۱۱. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۸۷ ب، *دیپلماسی رسانه‌ای*، *تصویر یا واقعیت*، در *(دیپلماسی رسانه‌ای)*، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۲. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۸۷، *شکاف یا گسست نسلی در ایران امروز: تخمین‌ها و تدبیرها*، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۳. تاملینسون، جان، ۱۳۸۱، *جهانی شدن و فرهنگ*، ترجمه محسن حکیمی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۴. جنکینز، ریچارد، ۱۳۸۰، *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران، نشر شیرازه، ۱۳۸۰ و دی‌نای، ۱۳۸۱.
۱۵. حاضری، علی محمد، ۱۳۸۰، «مسائل اجتماعی متأثر از تعارض ارزش‌ها در دوران گذار»، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، تهران، شماره ۴.
۱۶. حسینی زاده، محمدعلی، ۱۳۸۶، *اسلام سیاسی در ایران*، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
۱۷. حقیقت، سیدصادق و سید محمدعلی حسینی زاده، ۱۳۹۰، *گفتمان*، *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، شماره ۴.
۱۸. حقیقت، صادق، ۱۳۸۵، *روش‌شناسی علوم سیاسی*، قم، دانشگاه مفید.
۱۹. الحمادی، عبدالله، ۱۳۸۱، «ما و مظاهر جهانی شدن»، ترجمه عبدالله نکونام قدیمی، *روزنامه همشهری*، سال هشتم، شماره ۲۲۴۳.
۲۰. خسروشاهیان، وحید، ۱۳۷۹، «شکاف نسل‌ها: مروری بر تضادهای ارزشی بین نسلی»، *روزنامه همشهری*، ۱۳۷۹ / ۶ / ۸.
۲۱. دادگر، داریوش، ۱۳۸۸، *شکاف نسل‌ها با رویکردی جامعه‌شناختی*، در *(کندوکاو در مسائل جوانان و مناسبات نسلی، جعفر زاده)*، ج ۱، پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی.

- ۱۹۰ □ فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، س ۴، زمستان ۹۴، ش ۱۵
۲۲. ذکایی، محمدسعید، ۱۳۸۸، «فرهنگ گذار و الزامات آن برای روابط بین نسلی»، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره ۲.
۲۳. ذوعلم، علی، ۱۳۸۴، «تأملی در مفهوم چالش، واژه چالش در ادبیات اجتماعی - فرهنگی ایران»، نشریه زمانه، سال چهارم، شماره ۳۶.
۲۴. رابرتسون، یان، ۱۳۷۴، *درآمدی بر جامعه*، ترجمه حسین بهروان، مشهد آستان قدس رضوی.
۲۵. رضایی، عبدالعلی، ۱۳۸۰، «میزگرد جهانی شدن، ابعاد و پیامدها»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال سوم، شماره ۱۰.
۲۶. رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۶، *توسعه و تضاد*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲۷. ستار، آزاده، ۱۳۸۸، *بررسی گسست و پیوند نسلی از دیدگاه اجتماعی*، در (کندوکاو در مسائل جوانان، جعفر زاده)، ج ۱، پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی.
۲۸. سجادی، عبدالقیوم، ۱۳۸۳، *درآمدی بر اسلام و جهانی شدن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۹. سلطانی، علی اصغر، ۱۳۸۳، «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۸.
۳۰. سمتی، هادی، ۱۳۸۲، *شرایط و زمینه‌های گسست نسلی در ایران*، در (پدیده گسست نسل‌ها، علیخانی)، پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.
۳۱. شولت، یان، آرت، ۱۳۸۲، *نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن*، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۲. صلاحی، ملک یحیی، ۱۳۸۱، *اندیشه‌های سیاسی غرب در قرن بیستم*، تهران، نشر قومس.
۳۳. طارمی، محمدحسین، ۱۳۸۷، «فضای سایبر، آسیب‌ها و مخاطرات»، *آورد نور*، ش ۲۲.
۳۴. عاملی، سعیدرضا، ۱۳۸۲، «دوج جهانی شدن‌ها: جامعه جهانی اضطراب»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۱.
۳۵. عرفانی حسین پور، رضوانه و سید شهاب‌الدین عبدلی، ۱۳۹۱، *مطالعات جوان و رسانه*، شماره هفتم.
۳۶. غنی نژاد، موسی، ۱۳۷۹، «جهانی شدن»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال سوم، شماره ۸-۷.
۳۷. فروم، اریک، ۱۳۶۶، *هنر عشق ورزیدن*، ترجمه پوری سلطانی، تهران، انتشارات مروارید.
۳۸. فیرحی، داود، ۱۳۸۲، *ملاک‌های سیلان یا انقطاع نسل‌ها در ایران*، در (پدیده گسست نسل‌ها در ایران، علیخانی)، تهران، پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.
۳۹. کیانی، داود، ۱۳۸۰، «مقدمه‌ای بر جهانی شدن»، *مجله اندیشه صادق*، شماره ۵.

۴۰. گل محمدی، احمد، ۱۳۸۹، *جهانی شدن، فرهنگ و هویت*، تهران، نشر نی.
۴۱. گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۹، *جهان رها شده*، ترجمه اصغر سعیدی و حاجی عبدالوهاب یوسف، تهران، انتشارات علم و ادب.
۴۲. مدد پور، محمد، ۱۳۸۲، *صورت‌های نوعی گسست نسلی و فرهنگی در (پدیده گسست نسل‌ها، علیخانی)* تهران، پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.
۴۳. معصومی نیا، علی، ۱۳۸۹، «بازار مطلوب، رقابت کامل»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۵.
۴۴. معید فر، سعید؛ صبوری و حبیب خسروشاهی، ۱۳۸۹، «بررسی میزان فردگرایی فرزندان در خانواده»، *پژوهش‌های علوم اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۴.
۴۵. مکارم، حمید، ۱۳۸۲، *جهانی شدن و پیامدهای فرهنگی آن*، تهران، نشر سجده.
۴۶. منطقی، مرتضی، ۱۳۸۳، *روان‌شناسی جوانان ایران بعد از انقلاب در (جوانان و مناسبات نسلی در ایران، محمدی)*، تهران، پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.
۴۷. نش، کیت، ۱۳۸۰، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، کویر.
۴۸. نکویی سامانی، مهدی، ۱۳۸۶، *دین و فرایند جهانی شدن*، قم، بوستان کتاب.
۴۹. نوروزی، فیض الله، ۱۳۷۵، *فردگرایی در بین جوانان در حال تحصیل تهرانی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگری اجتماعی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۵۰. نیلی احمدآبادی، محمدرضا، ۱۳۸۲، «نقش رسانه‌های جمعی در شکل‌گیری هویت»، *دوفصلنامه علوم تربیتی، روان‌شناسی، کتابداری*، سال چهارم، شماره ۱ (پیاپی ۷)، دانشگاه فردوسی مشهد.
۵۱. هاروی، دیوید، ۱۳۸۶، *تاریخ مختصر نئولیبرالیسم*، ترجمه محمود عبدالله زاده، نشر اختران.
۵۲. هام لینک، سیزجی، ۱۳۸۰، «معنای دو پهلوی جهانی شدن»، ترجمه ناصر شکبیا، *مطالعات راهبردی*، شماره ۳.
۵۳. وبستر، فرانک، ۱۳۸۹، *نظریه‌های جامعه اطلاعاتی*، ترجمه اسماعیل قدیمی، تهران، قصیده سرا.
۵۴. یزدانی، فرشید، ۱۳۸۴، «نگاهی به جهانی شدن و نابرابری با تأکید بر ایران»، *فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی*، شماره ۱۸.

55. Albrow, M., 1996: *The Global AGE*. Cambridge: Polity press.

56. Castells, M., 1997, *The power of Identity*. Oxford: Blackwell.

57. Chouliaraki, L & N. Fairclough, 1999, "Rethinking Critical Discourse Analysis",

Edinburgh: Edinburgh University Press.

58. Dodds, Klaus, 2000: "Geopolitics in a changing world", London, prentice Hall.
59. Featherstone, M, 1995, Undoing Culture: Globalization, Postmodernism and Identity, London: Sage.
60. Friedman, J., 1994, Cultural & Global Process. London: SAGE.
61. Giddens, A., 1994, Living in a post-Traditional Society". In Beck, Giddens and Lash, Reflexive Modernization: Politics, Tradition, and Aesthetics in the Modern Social Order. Stand ford, Stand ford University Press.
62. Giddens, A., 1999, Economic Globalization & Culture. In Merrill Lynch From.
63. Harvey, D., 1989: The condition Post modernity, Oxford, Basil Blackwell.
64. Haynes, J., 1999, Introduction. In J. Haynes (ed), Globalization and Political Culture in the third World, London, McMillan.
65. Hekman, S., 1999, Identity Crises. In S. Hekman (ed) Feminism, Identity and Difference, Frank Cass.
66. Held, David, 1999, "Global Transformation, Economics and culture", Camnridge, Polity press.
67. Howarth, D., 2000, Discourse, Buckingham, Open University press.
68. Jorgensen, M & L, Philips, 2002, Discourse Analysis as Theory and Method, London: Sage Publication.
69. Laclau, E and Mouff, C, 2001, Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics, London: Verso.
70. Laclau, E and Mouff, C, Recasting Marxism in James Martin, 2002, Antonio Gramsci, critical Assessment of leading Political Philosophers Routledge.
71. Smith, Anna Marie, 1998, Laclau and Mouffe, Routledge.
72. Virilio, P, 2001, Speed and information: Cyberspace Alarm, in D. Trend, ed. Reading Digital Culture, Oxford: Blackwell Publishers.
73. Wallerstein, I., 1983, Historical Capitalism. London, Verso.